

## دسیسه علنی گرائی و ترور کمونیستها

حزب کار ایران (توفان) در تاریخ 29 ژوئن 2004 از ترور دبیر اول سازمان جوانان کمونیست ساحل عاج خبر داد و آنرا محکوم کرد. گروهی شبه نظامی موسوم به "جوانان میهن پرست"، هواداران بگ بو رئیس جمهور کنونی ساحل عاج به خانه مسکونی رفیق "آبیت دودو" هجوم برده، وی را ربوده و سپس به قتل رساندند. آنها در عین حال در یک اقدام سازمان یافته خانه رفیق "آکیسی آشی" دبیر کل حزب کمونیست انقلابی ساحل عاج را نیز غارت نمودند.

این اقدامات نشان میدهد که بورژوازی چه سیاه و چه سفید دشمن طبقه کارگر و حزب سیاسی مستقل وی است و هر کجا دستش برسد فعالین این حزب را صرفنظر از اینکه در قوانینش اجرای حکم اعدام توجیه شده باشد و یا آنرا برای آب ریختن به آسیاب اپورتونیستها و لیبرالها ممنوع اعلام کرده باشد ترور و یا به زبان دیگر اعدام غیر رسمی میکند تا در عین حال کار غیر قانونی نیز انجام نداده باشد و دامن "پاک" لیبرالیسم را آلوده نکرده باشد.

ولی برای حزب ما اهمیت این ترور از ترورهای مشابه به مراتب بیشتر است زیرا محتومیت این ترور محصول بحث طولانی است که از چند سال پیش در میان مارکسیست لنینیستهای آفریقای سیاه در گرفته است.

از چند سال پیش به یک باره این بحث مطرح شد که کمونیستها باید به کار علنی بپردازند و در زیر لوای این تئوری، کار علنی به انحراف علنی گرائی تبدیل شد. این بحث در میان کمونیستهای ایران نیز به پرچمداری جریان معروفی بنام "حزب کمونیست کارگری ایران" طرح شد که حزب کار ایران از همان روز نخست ماهیت این تئوری ارتجاعی و مشکوک را بر ملا ساخت و نیروهای انقلابی را از افتادن به دام این تئوری بر حذر داشت. حزب ما ماهیت بورژوائی و سابقه تاریخی این تئوری و نتایج عملی ارتجاعی آنرا بر ملا ساخت و نشان داد که بانیان این تئوری بوئی از مبارزه طبقاتی و بطریق اولی دشمن طبقاتی نبرده اند. متأسفانه این تهاجم ایدئولوژیک سازمانیافته فقط مربوط به ایران نبود. ارتجاع موفق شده بود که این بحث زیانبخش را به میان بسیاری از نیروهای انقلابی سرایت دهد و از بی تجربه گی آنها برای زدن ضربه کاری در موقع مناسب استفاده نماید.

حزب ما در همان هنگام که در اثر طرح مسایل با ما، از ماهیت این مجادلات با خبر شد تجارب حزب کار را در اختیار رفقای مارکسیست لنینیست آفریقائی قرار داد و آنها را از فریب خوردن منع کرد و توانست آنها را در عرصه این بحث ها تقویت کند.

حزب ما روشن کرد که در شرایط مخفی و بویژه در ممالکی که حداقل حقوق شهروندی بورژوائی محترم نیستند استفاده از تاکتیک کار علنی جز خود کشی برای کمونیستها معنای دیگری ندارد. حزب طبقه کارگر حتی در دموکرات ترین جمهوریهای بورژوائی باید اساساً شالوده خویش را بر پنهانکاری بنا نهد. حزب باید با تحلیل مشخص از شرایط مشخص و با توجه به سطح رشد مبارزات مردم اشکال مختلف ارتباط با توده ها را بیابد و در میان آنها نفوذ پیدا کند. حزب باید همیشه در شرایطی باشد که بتواند ضربه دشمن طبقاتی را پیشگوئی کند و خویش را برای چنین روز و لحظه ای آماده کند و یا آماده کرده باشد. حزب باید بتواند با کمترین قربانی و بصورت سازمانیافته عقب نشینی کند و

ارتباطات خویش را قطع نماید و کادرهای علنی خویش را مخفی کند و یا به خارج بفرستد تا از دسترس دشمن به دور باشند. حزب باید کادرهای ورزیده با تجربه حزبی را که محصول سالها تجربه

مبارزه انقلابی هستند و فقدان آنها ضایعه بزرگی برای جنبش کمونیستی خواهد بود با هشیاری و برنامه ریزی و مهارت حفظ کند و برای بدترین شرایط طرحهای آماده ای را از قبل تهیه کرده باشد. این اقدامات ناشی از سلامت ایدئولوژیک است و نشان میدهد که یک حزب تا به چه اندازه جدی بوده، تا به چه اندازه درک درستی از مبارزه طبقاتی داشته، دشمن طبقاتی را خوب شناخته و تا چه اندازه واقعا هدفش کسب قدرت سیاسی است.

طبیعی است که ارتجاع پنهانکاری را به ما تحمیل میکند ولی احمقانه است که تعیین وقت علنی شدن نیز بدست ارتجاع سپرده شود. آنوقت حزب طبقه کارگر برای خودش تاکتیک مستقلی دارا نیست و بدنباله رو تاکتیکهای بورژوازی روانه شده است.

یک کمونیست واقعی میداند که بورژوازی در قدرت هر آن مترصد ضربه زدن به وی است. هر آن میخواهد کادرهای حزبی را رسمی و غیر رسمی به قتل برساند. آنها برای این کار فقط مامورین امنیتی و انتظامی و نیروهای نظامی و گروههای شبه نظامی ندارند، آنها در عین حال قاتلین حرفه ای را با پول میخرند و سفارشات آدم کشی به آنها میدهند. این قاتلها وظیفه ترور کمونیستها را بعهده میگیرند که پس از انجام عملیات راهی خارج شده و یا پنهان میگردند تا آنها از آسیاب بریزد. حزب طبقه کارگر که هشیاری طبقاتی خویش را از دست نداده است باید خویش را برای چنین شرایطی آماده کند. البته همواره نمیتوان همه توطئه های دشمن را از قبل پیشگوئی کرد ولی نوع تلقی حزب از مسایل مسلما در اتخاذ روش درست بسیار موثر است و در تاکتیکهای حزب اثر میگذارد.

حزب در شرایط مخفی باید روشهای درست تلفیق مبارزه علنی و مخفی را پیدا کند و از همه روشهای شناخته شده، تجربه شده و ابداعی برای تماس با توده ها و بویژه طبقه کارگر استفاده نماید. جنبشهای توده ای سازمان دهد. در میان توده ها جای پای خویش را باز کرده حقانیت کمونیسم را در عمل نشان دهد. پنهانکاری به مفهوم دست شستن از مبارزه و زندانی کردن خود در خانه های تیمی نیست. به معنی گزینش طبیعی ترین نوع زندگیست.

بورژوازی نیز از انتخاب همین روش درست و اهماه دارد زیرا حزب طبقه کارگر در تاریکی مانده است و بر عکس بورژوازی در تیر راس آن است. این است که مشاوران و اندیشمندان خویش را در عرصه جهانی میفرستد تا تئوری ارتجاعی علنی گرائی و ساختن حزبی "توده ای" را به خورد رهروان راه طبقه کارگر دهند، آنها را بفریبند و برای قربانگاه به دست خودشان آماده گردانند. ما با این وضعیت در میان ایرانیان نیز روبرو هستیم و نیروهای انقلابی ایران را از رفتن باین مگاک برحذر میداریم.

تجربه دردناک رفقای حزب کمونیست انقلابی ساحل عاج در مقابل ماست. این تجربه نقطه اوج انحرافات است که در پاره ای از احزاب آفریقائی مارکسیست لنینیست پدید آمده است. خوشبختانه تبادل تجربه انترناسیونالیستی با چنین روندی به مقابله برخاست و مانع شد که دسیسه های دشمن طبقاتی که خود را آماده ضربه نهائی میکرد با موفقیت توأم شود. رفیق "آبیت دودو" دیگر در میان ما نیست. ولی باید راه این رفیق را با آموزش از این تجربه ادامه داد و وضعی پیش آورد که به ترور کمونیستها توسط اعدام رسمی و یا غیر رسمی خاتمه داده شود و این امر بون تغییر تناسب قوای طبقاتی مقدور نیست. بحرانی که به دنبال جهانی شدن سرمایه و سلطه گرائی بر جهان پدید آمده است حتی بورژوازی را نگران ساخته و میخواهد از عواقب سیاسی این بحران از هم اکنون جلوگیری. تجاوز و هجوم به کمونیستها بخشی از برنامه آنهاست. باید هوشیاری خویش را همچنان حفظ کنیم.

WWW.toufan.org  
toufan@toufan.org  
069/96580346

صفحه توفان در شبکه جهانی اینترنت  
نشانی پست الکترونیکی  
شماره دور نگار در آلمان فدرال

